



نواندیشی در مفهوم رابطه سببیت در پرتو قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

امیر نوعی^۱

جوادی واحدی زاده^۲

علی افراسیابی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

چکیده

مواقعی که چند عامل در وقوع جنایت دخالت دارند مسئولیت بر عاملی تحمیل می‌شود که بین رفتار آن عامل با نتیجه حاصله ارتباطی برقرار باشد. این ارتباط که ربط دهنده مسئولیت به شخص مسئول است رابطه سببیت نام دارد و برای احراز آن بایستی عناصر و اجزای آن تبیین شود. در قانونگذاری اخیر در حوزه حقوق جزا و با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقنن رویکردی بنیادین در شناسایی رابطه سببیت از خود نشان داده است. پژوهش حاضر که بصورت توصیفی تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای است نشان می‌دهد ضرورت توجه به مفهوم استناد از دو منظر مادی و روانی که ترکیب آن معیار در احراز مسئولیت کیفری عامل یا عوامل موثر در نتیجه مجرمانه است مفهوم بدیع در توصیف جایگاه رابطه سببیت از یک سو و اثبات ضمان دایر بر مدار آن از سوی دیگر ارائه می‌گردد.

واژگان کلیدی: رفتار، تأثیر رفتار، استناد مادی، استناد روانی، سببیت.

^۱ گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. hoghogi421@gmail.com

^۲ گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول): vahedizadeh33@gmail.com

^۳ گروه تخصصی حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. ali.afraziabiazar@yahoo.com

۱. مقدمه

در کنار مباحث نظری در حوزه مسئولیت مدنی که در آنها در جهت جبران خسارات وارده به اشخاص رابطه سببیت به عنوان یکی از ارکان دعوی مسئولیت مدنی مطرح می‌باشد و نقش کلیدی در اثبات دعوی دارد در دعوی کیفری نیز پرداختن به بحث رابطه سببیت در اثبات مسئولیت کیفری متهم یکی از شاخصه‌های ضروری می‌باشد و ضمان بدون رابطه سببیت معنایی نخواهد داشت. البته اکثریت حقوقدانان کیفری نقش رابطه سببیت را در جرایم مقید که شرط تحقق تام بزه در اینگونه جرایم حصول نتیجه مجرمانه می‌باشد تبیین ساخته‌اند (آقایی نیا، ۱۳۸۳: ۵) و آن را در جرایم مطلق منتفی می‌دانند (محمدخانی، ۱۳۹۵: ۲۶۲) و در تعلیل آن بیان داشته‌اند که رابطه سببیت در جرایم مطلق برخلاف جرایم مقید که پیوند دهنده نتیجه مجرمانه به رفتار است، ربط دهنده رفتار به فاعل است بدون اینکه نیازی به نتیجه‌ای خاص باشد. اما در باور برخی به لحاظ اینکه موضوع سببیت همواره در مقام اثبات رابطه بین فعل و نتیجه نمی‌باشد و بعضاً در مقام اثبات رابطه بین مرتکب و فعل او فارغ از نتیجه هم مطرح می‌گردد بحث سببیت را حتی در جرایم مطلق نیز جاری و ساری می‌دانند (قیاسی، ۱۳۹۴: ۲۴). از طرفی عمدی بودن یا غیرعمدی بودن جرایم مقید هم تأثیری در ماهیت این رابطه نخواهد داشت چرا که رابطه سببیت در هر دو فرض هر چند با تفاوت در ساختار رکن روانی مطرح می‌باشد.

در تمامی مباحث حقوقی اعم از کیفری و مدنی بعد از بحث و بررسی پیرامون موضوعی که سبب بروز نتیجه‌ای زیانبار می‌گردد مستقیماً در تبیین مسئولیت حاصله به وجود رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه حاصله اشاره می‌شود و نتیجه‌گیری حاصله از مسئله به بیان رابطه سببیت بین رفتار و نتیجه ختم می‌گردد. لذا در حقوق بعد از بررسی رفتار و تأثیر رفتار و نتیجه حاصله که نوبت به بیان مسئولیت می‌رسد رابطه سببیت مطرح می‌شود. در ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحقق جرایم غیرعمدی فرع بر احراز تقصیر مرتکب شده است و تحقق جرم نیز با شرایط ویژه خود فتح باب مسئولیت کیفری است و در این موقعیت ماهیت رابطه سببیت جلوه‌گر می‌شود و برای بیان مسئولیت گفته می‌شود بین رفتار توأم با تأثیر و تقصیر و نتیجه حاصله رابطه سببیت موجود است. فلذا رابطه سببیت با مسئولیت کیفری ملازمه دارد و هر جا رابطه سببیت بین رفتار مرتکب با نتیجه حاصله با تمامی شرایط قانونی احراز شد تردیدی در تحمیل مسئولیت بر آن عامل نباید نمود. اما بر خلاف ماده ۱۴۵ مذکور که در آن وجود تقصیر در ثبوت مسئولیت کیفری پررنگ می‌باشد با توجه به مواد بعدی از فصل ششم کتاب چهارم قانون مجازات اسلامی صرف احراز تقصیر را بدون توجه به مفهوم رابطه سببیت نمی‌توان ملازم با وجود مسئولیت

کیفری دانست و بایستی برای تبیین مسئولیت کیفری در باب تسبیب تمامی ارکان و شرایط ثبوت این مسئولیت بصورت مجموعه‌ای که در کنار هم قرار گرفته‌اند مورد توجه قرار گیرد. ساختارشناسی رابطه سببیت با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علیرغم وجود نظریات مختلف در این حوزه کمک خواهد کرد که در حل و فصل دعاوی کیفری مرتبط با بحث که یکی از دشوارترین مباحث حقوق کیفری هم محسوب می‌گردد از ظرفیت‌های قانونی بهتر استفاده کنیم و مسیر عدالت را صحیح و سریع طی نمائیم. تبیین دقیق شیوه احراز رابطه سببیت و به تبع آن اثبات مسئولیت کیفری در رویه قضائی چنانچه به درستی نهادینه گردد این امر خود به خود جایگاه ماهیتی درست رابطه سببیت را نشان خواهد داد و بر مباحث و نظریه پردازی‌های متعدد مغایر با آن تأثیر گذار می‌باشد.

ضرورت توجه به عنصر قانونی در باب مسائل مربوط به حقوق جزای کاربردی که هرگونه مسامحه و بی‌توجهی به نص قانونی سبب خدشه‌دار شدن نتایج حاصله از رسیدگی به امر قضائی خواهد بود ایجاب می‌کند توجه صرف و محض به مقررات موضوعه در مباحث مربوط به ضمان تسبیب صورت پذیرد و با حساسیت و نگاه قانون‌مدار به قضیه نگریسته شود تا مراد قانونگذار که در لابه‌لای مواد قانونی موجود و مستتر است در رسیدگی‌های قضائی بدرستی حاصل آید و مهمتر از آن مبناء و یافته‌های علمی در متن آراء درج شود چرا که «وظیفه محاکم فقط این نیست که به ذکر رابطه سببیت اکتفاء کنند بلکه لازم است توجه کافی برای اثبات برقراری چنین رابطه‌ای داشته باشند» (قیاسی، ۱۳۹۴: ۵).

بنا به مراتب با توجه به اینکه مهمترین مسئله در باره رابطه سببیت در حقوق کیفری پرسش در رابطه با معیار احراز این رابطه است که حاصل آن دسترسی به یک معیار نهایی برای اثبات مسئولیت کیفری خواهد بود ناگزیر به داشتن نگاه ویژه به مقدرات موضوع احساس می‌شود تا نسبت به شناسایی شرایط و ضوابط تحقق آن اقدام شود و این امر مستلزم بررسی تفصیلی مباحث فوق در نوشتار حاضر است.

در رابطه با نفس رابطه سببیت در نظام کیفری ایران کتب و مقالات متعددی از سوی اندیشمندان حقوقی بر مبنای سیر تطور قانونگذاری در این حوزه به رشته تحقیق درآمده اند که در هر یک با لحاظ منابع فقهی و حقوقی به تشریح و توصیف قضایا و مسائل پرداخته شده است از جمله این نوشتارها می‌توان به رساله دکتر سیدیزداله طاهری نسب اشاره نمود که با مطالعه تطبیقی نوشته شده است و به صورت کتاب قطوری درآمده است. این کتاب مبتنی بر قانون مجازات اسلامی سابق است و ایرادی که بر آن وارد می‌باشد عدم بروزرسانی کتاب بر اساس

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است. مقالات حقوقی متعددی نیز در این حوزه به نگارش درآمده است که هر کدام به نوعی با کلی گویی پیرامون مساله پرداخته اند، اما در رابطه با تفکیک و تشریح ارکان رابطه سببیت با نگرش در مقررات ماهوی فعلی به کیفیتی که در این نوشتار به آن پرداخته شده است تحقیق جامع و مستقل در خصوص ماهیت شناسی رابطه سببیت بر اساس مقررات جاری صورت پذیرفته است و این موضوع یکی از نوآوری های پژوهش حاضر می باشد.

۱- تحدید دامنه رابطه سببیت در رکن مادی

نگرش مادی گرایانه به پدیده‌ها در جهان هستی که بنا بر فطرت آدمی حاصل مشهودات و مسموعات اوست امری طبیعی و غیرقابل انکار است و اقتضای واقعیت‌های ملموس و مشهود پدیده‌ها اختیار رویکردی مادی به نظام علی و معلولی در رابطه با این پدیده‌ها خواهد بود. بر پایه همین نگرش در بحث مربوط به رابطه سببیت در بیان جایگاه رابطه مذکور عده کثیری از اندیشمندان حقوقی به رابطه سببیت به دید مادی صرف می‌نگرند و به ارتباط بین رفتار و نتیجه صبغه مادی می‌بخشند. به باور این دسته از صاحب‌نظران آنچه که در یک پدیده جنایی به وضوح عیان و ملموس می‌باشد نتیجه حاصله از رفتار مجرمانه است که داخل در رکن مادی بزه قرار داشته و چهره کاملاً مادی دارد که با حواس قابل درک می‌باشد، نتیجه مذکور نیز خود متشکل از اجزائی است که با توجه به ماهیت مادی آن، اجزاء تشکیل دهنده آن نیز بالتبع مادی می‌باشند و تصور چهره غیرمادی مؤثر بر یک اثر مادی غیر منطقی می‌باشد یکی از اجزاء و ارکان شرکت کننده در فرایند حصول نتیجه رابطه بین رفتار و نتیجه می‌باشد که آن هم بایستی مادی باشد فلذا رابطه علی و معلولی بین رفتار مرتکب جرم با نتیجه حاصله داخل در رکن مادی خواهد بود و نباید آن را جدای از رکن مادی تصور نمود و نمی‌توان در متن رابطه سببیت امر غیرمادی گنجانده چرا که آن آمیخته کردن دو پدیده دارای طبایع مختلف است، از این رو رابطه سببیت چنانچه شامل رکن معنوی هم باشد نادرست خواهد بود چرا که طبیعت رابطه سببیت که اساس مادی دارد با طبیعت رکن معنوی که پدیده‌ای نفسانی است متفاوت می‌باشد و با توجه به چهره مادی آن نقشی غیر از بیان سهم فعل در حدوث نتیجه نمی‌توان برای رابطه سببیت تصور کرد (حسنی، ۱۳۸۵: ۳۵۲).

رابطه سببیت در بحث ضمان تسبیب از این منظر در مفهوم استناد مادی نتیجه مجرمانه حاصله به رفتار مرتکب خواهد بود و هر زمان مراد بیان اتصال نتیجه به اثر رفتاری مد نظر باشد

فارغ از مسئولیت کیفری گفته می‌شود بین نتیجه و رفتار منتج به آن نتیجه رابطه سببیت برقرار است. در چنین وضعی احراز رابطه سببیت بین رفتار عامل یا عوامل دخیل در جنایت هیچ گونه ملازمه‌ای با مسئولیت کیفری یا ضمان نخواهد داشت. «در حقوق کیفری برخلاف مسئولیت مدنی با احراز رابطه سببیت میان رفتار مرتکب و نتیجه حاصله چیزی بیشتر از رکن مادی جرم به اثبات نمی‌رسد و در واقع اثبات رابطه سببیت مقدمه لازم برای پرداختن به رکن معنوی است و به طریق اولی مسئولیت کیفری نتیجه قهری احراز رابطه سببیت نیست» (لفو، ۱۳۸۳: ۸۸). بنابراین رابطه سببیت به عنوان جزئی از اجزاء مسئولیت کیفری مطرح می‌باشد و برای ثبوت چنین مسئولیتی باید اجزاء و شرایط دیگر نیز مهیا باشد و خود رابطه سببیت به عنوان شرطی در کنار شروط دیگر برای ثبوت مسئولیت کیفری است و چنانچه رابطه سببیت موجود باشد به تنهایی برای تحقق مسئولیت کیفری کافی نمی‌باشد، در این خصوص آورده‌اند «رابطه سببیت یگانه عنصر مسئولیت کیفری نیست بلکه در کنار آن عناصر دیگری نیز است که هر یک برای تحقق مسئولیت لازم هستند چه بسا وجود رابطه سببیت میان فعل و نتیجه ثابت شود اما متهم مسئول نتیجه نباشد زیرا قصد آن را نداشته و خطایی نیز مرتکب نشده باشد» (همان: ۳۵۴).

طرد جایگاه رکن روانی جرم در رابطه سببیت یکی از بارزترین اثر نگاه مادی گرایانه صرف به رابطه سببیت است و در این زمینه آمده است «این دیدگاه سنتی، مادی گرایانه، فلسفی محور و پرترفدار است و اکثر حقوقدانان و محاکم در مقام نظر، نه در عمل، به آن پایبند هستند. این دیدگاه سنتی است از این جهت که قدمت تاریخی آن بیش از سایر رویکردهاست، مادی گرایانه، فلسفی و محدود است، از این حیث که قلمرو علیت را منحصر به رکن مادی جرایم مقید و رابطه مادی میان فعل و نتیجه می‌داند و به طور کلی رکن روانی جرایم را مبرا از مباحث علیتی می‌داند. پرترفدار می‌باشد، بدان جهت که با نظر اغلب صاحب نظران، قوانین جزائی و آرای محاکم هم سو است» (طاهری نسب، ۱۳۸۹: ۱۲). محدود کردن دامنه رابطه سببیت در رکن مادی جرایم و عدم تسری وسعت آن به رکن معنوی موجب تغییر شرایط ثبوت مسئولیت کیفری و ملاً تغییر در معیار ضمان خواهد بود. با توجه به اینکه غایت تمامی مباحث مطروحه در حوزه ضمان تسبیب رسیدن به این مهم است که مسئولیت کیفری حاصله از رفتار مجرمانه بالاخره بر چه کسی تحمیل گردد و اقتضای وضع مقررات کیفری عادلانه هم از حیث ماهوی و هم شکلی شفافیت آنها و قاعده‌مند بودن طرق تحقق مسئولیت کیفری است با تخصیص جایگاه رابطه سببیت در رکن مادی، صرف احراز رابطه مذکور شایستگی معیار گزینی آن برای اثبات مسئولیت کیفری را نخواهد داشت و اثبات آن تنها یکی از مراحل امر بوده و در کنار آن عنصر دیگری بنام

تقصیر باید احراز گردد و اجتماع این دو به عنوان ضابطه‌ای برای احراز مسئولیت کیفری از باب تسبیب ملاک قرار می‌گیرد. در این نگرش دستیابی به رابطه سببیت به عنوان شرطی از شروط ثبوت مسئولیت کیفری در رکن مادی جرم مجوز بررسی رکن معنوی جرم بوده و قبل از احراز رابطه سببیت در جایگاه مادی آن امکان تبیین و درک رکن معنوی وجود نخواهد داشت بنابراین رکن رکن مسئولیت تقصیر مرتکب می‌باشد و اثرگذاری رابطه سببیت در مسئولیت کیفری بدون وجود تقصیر قابل تصور نمی‌باشد و آنچه در این میان از اهمیت بالا برخوردار می‌باشد عنصر تقصیر در رفتار مرتکب است که وجود آن در کنار رابطه سببیت مرتکب را واجد مسئولیت و نبود آن هر چند با وجود رابطه سببیت مسئولیت مرتکب را از باب تسبیب منتفی می‌سازد چرا که تقصیر ماهیت مستقل برای خود دارا می‌باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۴۶۷).

قابل شدن ماهیت مستقل از هم برای تقصیر و رابطه سببیت نه تنها سبب نفی جایگاه رابطه سببیت به عنوان یک معیار برای مسئولیت کیفری می‌گردد بلکه سبب تغییر در معیار احراز خود رابطه سببیت هم می‌شود طوری که با فرض استناد نتیجه‌ای خاص به رفتار مؤثر و دخیل هر عاملی، میان آن رفتار با نتیجه حاصله رابطه سببیت برقرار نمی‌شود و تأثیر رفتار هر عامل موجب دخول آن در زنجیره رابطه سببیت خواهد بود و در این حال معیار برای احراز رابطه سببیت تأثیر رفتار عامل در بروز و حدوث نتیجه بدون لحاظ تقصیر می‌باشد. بر این اساس رابطه سببیت بین شرط که تقصیر در آن منتفی است با نتیجه برقرار خواهد شد.

۲- نفی ماهیت صرف مادی رابطه سببیت

پذیرش محدود بودن رابطه سببیت در رکن مادی که نتیجه آن سلب ارزش معیار بودن رابطه سببیت در ثبوت مسئولیت کیفری می‌باشد یک ایده قابل قبول مطلق و بدون نزاع نبوده و عده‌ای از اندیشمندان عرصه حقوق کیفری، قلمرو رابطه سببیت را ورای رکن مادی و ارتباط صرف آن میان فعل و نتیجه حاصله دانسته و با لازم شمردن دخالت کیفیت روانی صدور رفتار مادی در آن که مربوط به رکن معنوی می‌باشد بر وسعت قلمرو آن افزوده‌اند.

بر خلاف این تصور که ارتباط بین یک رفتار عینی و نتیجه عینی حاصل از آن رفتار الزاماً بایستی یک امر مادی باشد دامنه رابطه مذکور فراتر از چهره مادی آن بوده و در ارتباط ذهنی و فکری منشاء صدور آن رفتار هم تسری دارد. رابطه سببیت تنها یک پیوند محسوس مادی نمی‌باشد که قواعد احراز آن محدود در رکن مادی باشد بلکه این رابطه یک پیوندی است که در فکر میان دو پدیده رابطه ایجاد می‌کند و از آنجائی که رفتار و نتیجه مادی هستند رابطه بین

این‌ها که رابطه سببیت نام دارد یک توصیف ذهنی است که انتساب نتیجه به رفتار را در ذهن توصیف می‌سازد و برخلاف نظر کسانی که معتقدند رابطه مذکور توسط حواس ملموس است (حسنی، ۱۳۸۵: ۲۹) نمی‌توان امر ذهنی را در عالم مادی با حواس به شکل مادی دریافت، برای نمونه در صدماتی که بصورت غیرمستقیم و از باب تسبیب ایجاد می‌شود هیچ‌گونه رابطه مادی مشهود میان رفتار و نتیجه حاصله مشهود و ملموس نمی‌باشد حال در چنین وضعی نمی‌توان به جهت ملموس نبودن رابطه وجود ارتباط بین رفتار غیرمستقیم با نتیجه را نفی کرد لذا به اقتضای منطق حقوق رابطه سببیت به شکل توصیف ذهنی پیوند میان این دو را تبیین می‌سازد (خسروی سلیم، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

چنانچه ریشه رابطه سببیت را در رکن مادی جرم و منبعث از نتیجه مادی حاصله بدانیم می‌توان گفت مبنای این اعتقاد وجود نگاه فلسفی در ایشان به موضوع علیت می‌باشد. قیاس مبنای بحث در علم حقوق با سایر علوم خصوصاً دانش طبیعی که حاصل آن تسری وجهه مادی رابطه بین علت و معلول به کیفیتی که در آن علوم مطرح می‌باشد به علم حقوق خواهد بود منطقی نمی‌باشد چرا که در علوم دیگر غیر از علم حقوق کیفیات نفسانی و اعتباری برای وجود امری جایگاهی نداشته و در آنها تنها عواملی بررسی می‌شوند که ماهیت مادی دارند و بر خلاف آنها علم حقوق در کنار بررسی ماهیت مادی عوامل به کیفیات روانی عوامل هم بی‌توجه نبوده و آن را در نتیجه‌گیری‌های نهایی خود مؤثر می‌داند، از این رو باید برای تبیین جایگاه صحیح رابطه سببیت به تمامی ابعاد مادی و روانی عوامل و اختلاف در شناسایی معیار رابطه سببیت در علم حقوق با سایر دانش‌ها توجه نمود (همان: ۱۴۰). افزون بر آن بحث رابطه سببیت در علم حقوق اعم از مسائل مدنی و کیفری زمانی مطرح می‌شود که موضوع مسئولیت در میان باشد و به عبارتی «نقش رابطه سببیت در هر دو ریشه در بحث مسئولیت است» (همان: ۱۰۳). لذا اقتضای بررسی دامنه مسئولیت عاملی توجه و لحاظ تمامی ابعاد دخیل در مسئولیت است و نمی‌توان با پرداختن به یک بعد از ابعاد مختلف مسئولیت (یعنی رکن مادی) در مورد وجود یا نفی رابطه سببیت نظر داد و ضرورت دارد با لحاظ نقشی که رابطه سببیت در مسئولیت ایفاء می‌کند تمامی شرایط متشکله آن اعم از مادی و روانی بررسی گردد.

بنا به مراتب با روشن شدن نقش کلیدی رابطه سببیت در ثبوت مسئولیت کیفری اقتضای امر تسری دامنه و وسعت این رابطه در رکن معنوی هم خواهد بود و در مسائل مربوط به ضمان تسبیب در کنار پیوند مادی بین رفتار و نتیجه بایستی به عنصر معنوی که از آن به تقصیر تعبیر می‌شود توجه نمود و برای تقصیر ماهیتی مجزا و مستقل از ماهیت رابطه سببیت تصور نمود و

براین اساس رابطه سببیت عبارت خواهد بود از مشایعت رکن روانی و مادی جرم که متفقاً منتهی به تحقق جرم می‌گردند و در جهت اثبات مسئولیت کیفری بایستی هر دو دخالت داشته باشند (طاهری نسب، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

دلیل عمده در طرد این اندیشه که رابطه سببیت تنها در رکن مادی مطرح است و قابل توسعه در رکن معنوی نیست این می‌باشد که چنانچه برای رابطه سببیت ریشه‌ای مادی صرف قابل باشیم احراز آن تأثیری در مسئولیت کیفری نخواهد داشت و وجود آن تنها مبین و معرف آن است که بین رفتار و نتیجه ارتباط برقرار است و در این تعبیر چه بسا شرط نیز واجد ارتباط باشد و در جهت اعلام عامل مسئول و بیان مسئولیت کیفری توجه به نقش تقصیر عامل هم ضروری است و این امر معیار مسئولیت را در دو رکن رابطه سببیت و تقصیر قرار می‌دهد؛ رابطه سببیت به عنوان معیاری برای بیان ارتباط مادی صرف بین رفتار با نتیجه و تقصیر نیز معیاری برای شایستگی تحمیل مسئولیت ناشی از رفتار قابل سرزنش یا قابلیت تحمل تبعات جزائی رفتار مجرمانه که حاصل جمع آنها مسئولیت کیفری مرتکب را اثبات خواهند نمود (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۹۰). در حالی که چنین نگرشی بر موضوع صحیح نمی‌باشد چرا که هیچ یک از نظریات ابرازی در حوزه شناسایی سبب مسئول دلالتی بر وجود رابطه سببیت بین شرط و نتیجه حاصله ندارد و شرط هر چند در نتیجه مؤثر و دخیل می‌باشد اما در زنجیره استناد نهایی که معرف مسئولیت کیفری عامل یا عوامل است جایی ندارد و وجه ممیزه شرط با سبب تنها در وجود تقصیر در سبب و عدم آن در شرط است (خسروی سلیم، ۱۳۹۶: ۵۴) و نقش و جایگاه اصلی تقصیر در ضمانت سبب به حالت و چگونگی رفتار عامل معطوف است که در صورت وجود آن در رفتار عاملی که در نتیجه مؤثر بوده آن عامل سبب معرفی می‌گردد و استناد نتیجه به تقصیر عامل چیزی جز کاشفیت آن از سبب بودن آن عامل نیست و این معادله خود معرف رابطه سببیت می‌باشد و به تعبیری «رابطه سببیت میان فعل جانی و نتیجه مجرمانه وجود دارد آنگاه که ثابت شود اگر فعل ارتكابی نبود نتیجه بدین گونه‌ای که رخ داده اتفاق نمی‌افتاده است و افزون بر آن باید ثابت شود که جانی می‌توانسته آن را پیش‌بینی کند یا باید این کار را می‌کرده است» (حسنی، ۱۳۸۵: ۳۳۵)، فلذا با این توصیف «برخلاف عقیده برخی عنصر تقصیر هیچ‌گاه شرط ضمان نبوده بلکه در ساختار خود سبب و در مقام احراز انتساب نتیجه به رفتار اهمیت می‌یابد» (خسروی سلیم، ۱۴۰: ۱۴۰) و نمی‌توان یکبار تقصیر را در جهت شناساندن سبب برای احراز رابطه سببیت نقش داد و مطرح کرد و بار دیگر در کنار رابطه سببیت به عنوان رکن دیگر برای اثبات مسئولیت کیفری به آن بها داد.

بنا به مراتب معیار احراز رابطه سببیت در اندیشه افرادی که قلمرو و گستره آن را فراتر از رکن مادی می‌پندارند تنها اکتفاء به استناد مادی نبوده بلکه در کنار آن به عنصر تقصیر و انتساب آن به رفتار اثرگذار مرتکب هم توجه می‌شود و در این حال رابطه سببیت یک ماهیت مرکب از دو رکن مادی و معنوی جرایم خواهد داشت که مشتمل بر اجزاء هر دو رکن مذکور می‌باشد و تصور مسئولیت کیفری در ضمان تسیب با لحاظ اجتماع هر یک از اجزاء متشکله آن صحیح خواهد بود و بر خلاف نظر کسانی که در بیان مسئولیت کیفری رابطه سببیت را در کنار تقصیر مؤثر می‌دانند تقصیر از لوازم احراز رابطه سببیت بوده و وجود و احراز آن معیاری برای احراز رابطه سببیت می‌باشد و نباید برای تقصیر ماهیت مجزا از رابطه سببیت قایل شد چرا که تقصیر از مقدمات احراز رابطه سببیت است و در این خصوص آمده است «در تسیب برای احراز وجود رابطه سببیت بین عمل خوانده و ضرر باید تقصیر او ثابت شود» (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۷۰۸).

رابطه سببیت در این مینا به عنوان شاخصه اثبات مسئولیت کیفری از یک طرف حاکی از صدور رفتار مؤثر در حدوث نتیجه زیانبار از جانب مرتکب است که حسب مورد سبب یا مباشر نامیده می‌شود و از آن به استناد مادی تعبیر می‌گردد و از سوی دیگر برای تکمیل زنجیره مسئولیت ضرورت دارد نتیجه حاصله از رفتار مستند و منتسب به تقصیر عوامل مذکور باشد که از آن استناد روانی یاد می‌گردد و احراز هر دو استناد به معنی مسئولیت کیفری عامل خواهد بود چرا که رابطه سببیت یا علیت «جزء این نیست که تقصیر مرتکب علت فاعلی یا پدید آورنده صدمه بوده و بدون آن صدمه حادث نمی‌شده است» (اردبیلی، ۱۳۹۴: ۳۶۵) بنابراین ریشه عناصر و معیار رابطه سببیت در رویه قضایی بر پایه دو عنصر مادی و روانی است و برای اثبات وجود رابطه سببیت نباید به صرف استناد مادی بسنده کرد بلکه رابطه معنوی هم برای آن نیاز است. این شیوه به صراحت در حقوق کیفری برخی از کشورها از جمله مصر و فرانسه آمده است. در رویه قضایی مصر در جهت اثبات مسئولیت کیفری که معیار آن احراز رابطه سببیت می‌باشد «دیوان عالی برای اثبات وجود رابطه سببیت به رابطه مادی بسنده نمی‌کند بلکه رابطه معنوی را هم نیاز دارد که میان متهم و نتیجه مجرمانه پیوند می‌دهد» (حسنی: ۳۲۲). در رویه قضایی فرانسه هم پایه رابطه سببیت پیوند مادی بین رفتار و نتیجه شمرده شده است که دامنه آن در آینده با استناد به اندیشه معنوی تبیین می‌شود (همان، ۲۹۸) البته گفته شده است «در حقوق کیفری فرانسه مهمترین عناصر معیار رابطه سببیت را از رکن معنوی جرم می‌دانند، رویکرد غالب رویه قضایی فرانسه این است که معیار رابطه سببیت همان توانایی پیش‌بینی است یعنی رابطه سببیت میان فعل و نتیجه موجود نیست مگر اینکه متهم به هنگام ارتکاب فعل می‌توانست توقع

دستیابی به این نتیجه را داشته باشد» (همان، ۲۹۴). رویه‌های قضایی مذکور که به صراحت در مقام نفی ماهیت صرف مادی برای رابطه سببیت می‌باشند گویای شناسایی دو معیار برای رابطه سببیت و دخیل نمودن عنصر معنوی به عنوان یکی از معیار های مهم در این رابطه است و احراز آن را متفرع بر اثبات تقصیر قرار داده است و جایگاه و نقش اصلی رابطه سببیت به عنوان معیار اصلی اثبات مسئولیت کیفری نمایان می‌شود.

۳- نگاه قانون محور بر ماهیت رابطه سببیت

از یک منظر به نظر می‌رسد به معیار رابطه سببیت و ماهیت آن باید نمود علمی داد و ساختار آن را بر اساس تجزیه و تحلیل علمی قضایا تبیین کرد، این شیوه حاصلش ایجاد دیدگاه‌های وسیع در شناسایی عامل مسئول خواهد بود و نظریه پردازی‌های صورت گرفته معیاری که قانونگذار بر می‌گزیند را نادرست معرفی و رابطه سببیت را از تحدید قانونی دور خواهد ساخت، اما آنچه در مباحث کیفری و خصوصاً مسئولیت کیفری ضرورت دارد تحدید رابطه سببیت بر پایه منطق قانونی است و ضرورت اخذ آخرین حکم قانونی در این باره وجود دارد (همان: ۴۷).

با تفکیک رابطه سببیت و بررسی معنایی آن مشخص می‌گردد که رابطه مذکور صرفاً به مسئولیت حاصله معطوف است. سببیت یعنی سبب و موجب بودن برای امری و علاوه بر مفهوم ادبی و فلسفی آن در مفهوم عرفی آن آنچه از سببیت به ذهن متبادر می‌شود وجود بار معنایی مسئولیت در این کلمه است، بدین توضیح که سبب به عنوان یکی از عوامل مؤثر در جنایت عاملی است که واجد دو استناد است (مادی و روانی). اساساً با وجود استناد نتیجه به رفتار آن عامل از یک طرف و استناد نتیجه به تقصیر آن عامل سبب ماهیت پیدا می‌کند و در زمره مسئولین در می‌آید و برای مسئول شناختن عامل به عنوان سبب بدو تقصیر آن عامل باید احراز شود تا آن عامل سبب شناخته شود و سبب شناخته شدن و سبب بودن همان سببیت خواهد بود، فلذا تلقی سببیت بدون احراز شرایط کامل ضمان یا مسئولیت امری ناصواب خواهد بود. در این قسمت تلاش بر آن است که رویکرد تقنینی در حوزه احراز رابطه سببیت که پایه مسئولیت کیفری است تبیین شود تا سر آخر گره ابهام از ماهیت رابطه سببیت و نقش آن در پیدایش مسئولیت کیفری گشوده شود. با تکیه بر مقررات مندرج در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مشخص می‌گردد اساس مسئولیت کیفری در حوزه ضمان تسبیب بر دو رکن استوار است. ۱- استناد یا انتساب مادی نتیجه به رفتار مرتکب ۲- استناد یا انتساب روانی نتیجه به تقصیر مرتکب.

۱-۳- استناد مادی

استناد مادی در یک تعریف ساده در مفهوم «انتساب جرم به فاعل معین» (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۸۸) می‌باشد و مراد از آن این است که در دایره علت و معلولی، رفتاری خاص که نمود عینی و ملموس به خود گرفته است از سوی عاملی مشخص ارتکاب یافته باشد. قانونگذار در ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی با قید اینکه «... نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد...» در مقام بیان ضرورت احراز استناد مادی می‌باشد. استناد مادی متشکل از دو جزء است یکی استناد رفتار به فاعل و دیگری استناد نتیجه به رفتار. برخلاف نظری که می‌گوید در استناد مادی احراز انتساب رفتار به فاعل در حوزه حقوق کیفری شکلی است و احراز انتساب نتیجه به رفتار در حوزه حقوق کیفری ماهوی است (همان، ۱۰۵) به نظر می‌رسد چنین تعبیری از ماهیت استناد مادی درست نباشد چرا که در هر حال اثبات استناد مادی که ریشه مادی و ملموس دارد در حوزه کاربردی ادله اثباتی مصرح در قوانین شکلی است و جایی در حقوق جزای ماهوی که بصورت ماهیتی و مبنائی در مباحث کیفری دخیل است ندارد. قصد و اراده مجرمانه و تخطی از اوامر و نواهی قانونی یا فقدان قصد مجرمانه مسائلی است که ریشه ماهیتی داشته و از شمول مقررات شکلی خروج موضوعی دارند و موارد مذکور داخل در استناد معنوی خواهد بود. در استنادی مادی هدف احراز این امر است که در نهایت فارغ از جنبه های روانی و ارادی آیا نتیجه عینی (جرم و جنایت) منتسب به فاعل مورد نظر است و رفتار از او سرزده است یا خیر؟

آنچه از مقررات جاری در نظام کیفری مستنبط است برای احراز مسئولیت کیفری در تمامی ابواب حقوق جزای اختصاصی اعم از جنایات و جرائم علیه اموال و سایر جرایم گام نخست تبیین استناد مادی بین رفتار و اثر رفتار مرتکب است. این شیوه در کلیه جرائم عمدی و غیرعمدی حاکم می‌باشد و البته در جرائم عمدی تنها اختصاص به جرائم مقید نداشته و جرائم مطلق را هم شامل می‌شود، چرا که وقوع بزه از نگاه حقوق جزا صرفاً و محضاً منوط و متفرع بر نتیجه مجرمانه نیست و در برخی از جرائم که به جرائم مطلق موسوم هستند گستره نقض اوامر و نواهی قانونگذار که واجد وصف مجرمانه است مقید به حصول نتیجه‌ای خاص نمی‌باشد و همین اندازه که رفتار واقع شده ثابت گردد از سوی فاعل مشخص صادر شده است تردیدی در برقراری استناد مادی باقی نخواهد ماند و تنها در جرائم مقید است که دنبال جزء دوم رابطه استناد که مشخص کننده ارتباط بین نتیجه و رفتار می‌باشد خواهیم بود. در این راستا آمده است «رابطه استناد در جرائم مطلق و مقید با یکدیگر متفاوت است. این رابطه در جرائم مطلق بسیط و در جرائم مقید مرکب می‌باشد. توضیح اینکه در جرائم مطلق که رکن مادی آن صرفاً از دو جزء فعل و فاعل

تشکیل می‌گردد کافی است احراز شود فعل از فاعل سر زده است برای مثال در بزه جعل باید احراز شود که ساخت سند یا تحریف سند موجود فعل متهم بوده است یا در بزه فحاشی کافی است اثبات شود واژه یا جمله توهین آمیزی که از میان افراد جمع شنیده شده از متهم صادر شده است. بنابراین در جرائم مطلق رابطه علیت از انتساب فعل یا ترک فعل به فاعل حاصل می‌شود لیکن در جرائم مقید که مستلزم حصول نتیجه می‌باشد از سه جزء فعل، فاعل و نتیجه تشکیل و از پیچیدگی بیشتری برخوردارند و لازم است از یک سو نتیجه حاصله به فعل و از سوی دیگر فعل ارتكابی به فاعل مستند و منتسب باشد» (مرادی، ۱۳۹۶: ۸۱).

۲-۳- استناد معنوی

با روشن ساختن استناد مادی گام بعدی اثبات و احراز استناد معنوی خواهد بود. «برای اینکه تحمیل تبعات جزائی رفتار مجرمانه بر فاعل ممکن باشد و به بیان دیگر او را بتوان نسبت به رفتار مجرمانه‌اش مسئول دانست لازم است که استناد معنوی میان او و رفتار مجرمانه برقرار گردد» (میرسعیدی، ۱۳۸۳: ۹۲) در استناد معنوی ضرورت دارد که «اولاً رابطه خاص ذهنی بین فاعل و عمل مجرمانه برقرار شود و ثانیاً رابطه ذهنی مزبور از قوای سالم عقلی و روانی برخاسته باشد. دو امر یاد شده عناصر اسناد معنوی را تشکیل داده، در نتیجه مرتکب را مستحق تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه می‌سازد (همان، ۸۹).

قانونگذار در بیان ضرورت وجود استناد معنوی در ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آورده است «در کلیه مواردی که تقصیر موجب ضمان مدنی یا کیفری است دادگاه موظف است استناد نتیجه حاصله به تقصیر مرتکب را احراز نماید». احراز استناد نتیجه به تقصیر چیزی جز احراز استناد معنوی نمی‌باشد. در استناد معنوی بسته به نوع جرم از منظر وجود قصد مجرمانه یا خطای جزائی صرف بایستی به نحوه و چگونگی ارتباط بین نتیجه حاصله در جرائم عمدی مقید و نیز جرائم غیرعمدی با ماهیت و کیفیت رفتار مرتکب توجه شود. چنانچه رفتار ابرازی معطوف به اراده آگاهانه در ارتکاب چنین رفتار نامشروعی باشد مثبت قصد مجرمانه مرتکب خواهد بود و جرم عمدی تلقی می‌شود لیکن چنانچه این رفتار بدون همراهی با اراده مجرمانه و بدون خواستن تحقق نتیجه مجرمانه و تنها به لحاظ اینکه مغایر با اوامر و نواهی قانونی قرار می‌گیرد و موجب نقض یک حکم قانونی می‌باشد رفتار توأم با خطای جزائی شناخته می‌شود و جرم غیرعمدی محسوب می‌گردد.

با توجه به مراتب مرقوم به صراحت رویکرد قانونگذار در بیان ماهیت رابطه سببیت تبیین می‌گردد. این رابطه بسته به نوع جرم ارتكابی شکل متمایزی خواهد داشت. در جرائم مطلق که در تحقق بزه ضرورتی به حصول نتیجه نمی‌باشد صرف احراز انتساب رفتار به عامل کافی در احراز رابطه سببیت خواهد بود. اما وقتی بزه از جمله جرائم مقید باشد یا اینکه جرم غیر عمدی و حاصل تقصیر مرتکب باشد رابطه سببیت که معیار و مبنای احراز مسئولیت کیفری مرتکب خواهد بود متشکل از دو استناد مادی و معنوی می‌باشد و تنها با التقاط و اجتماع دو استناد مذکور است که رابطه سببیت که خود حلقه اتصال نتیجه به رفتار می‌باشد شکل خواهد گرفت. با این وصف رویکرد قانونگذار در شناسایی ماهیت رابطه سببیت نه توجه صرف در عنصر مادی است و نه تخصیص صرف جایگاه آن در عنصر روانی بلکه به شرحی که ذکر شد حسب نوع رفتار ارتكابی بایستی به عناصر مادی و روانی بزه نگاه ویژه‌ای داشت.

رابطه سببیت تنها دلالت به جرم غیر عمدی نمی‌کند بلکه ممکن است رفتاری مع‌الواسطه و از روی عمد منجر به جنایت و جرم گردد در این حال سببیت عمدی مطرح خواهد بود و رابطه سببیت باید بین نتیجه و عمد احراز شود. استناد قید شده در ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی هم ناظر به جرم عمدی است و هم غیر عمدی چراکه قانونگذار از واژه قصاص که مجازات اختصاصی جنایات عمدی می‌باشد استفاده کرده است. لذا لازم است بعد از استناد مادی (عنصر مادی) بررسی شود که آیا تقصیری در قضیه بوده است یا خیر؟ اگر تقصیر باشد جرم غیر عمدی است (در ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی دقیقاً برای ثبوت ضمان قانونگذار گفته است که بین نتیجه و تقصیر رابطه استناد موجود باشد) و چنانچه عمد مرتکب احراز شود جرم عمدی خواهد بود و در فرض فقدان عمد و قصد جرمی محقق نشده و ضمان هم منتفی خواهد بود.

در جریان قانونگذاری اخیر در حوزه حقوق جزا و تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با عنایت بر اینکه مقنن توجه ویژه‌ای به مفهوم استناد در لابه لای مواد قانونی خصوصاً مواد ۴۹۲ و ۵۲۶ داشته است با اصل انگاری استناد مادی و روانی در ثبوت مسئولیت کیفری مبنای مسئولیت در این زمینه روشن شده است. رویکرد تقنینی نظام کیفری با توجه به قانون مذکور در تبیین جایگاه رابطه سببیت معطوف به دو نوع استناد است که روی هم تشکیل دهنده رابطه سببیت تام در مفهوم قضایی آن می‌باشند و با جمع دو ماده مذکور می‌توان گفت ماهیت تقصیر چیزی مجزا از صرف رابطه استناد بین نتیجه و رفتار عامل یا عوامل مؤثر در جنایت است و از طرفی در کنار استناد اولیه دلالت بر وجود رابطه سببیت در مفهومی که متشکل از دو استناد مادی و روانی است می‌باشد و در این مفهوم رابطه سببیت عبارت خواهد بود از استناد جنایت به

رفتار یا رفتار های مؤثر توأم با تقصیر که برآیند دو ماده ۴۹۲ و ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی بوده و به عنوان مقتضای ثبوت مسئولیت کیفری مطرح می‌باشد (مرادی، ۱۳۹۱: ۸۴). بدین ترتیب رابطه سببیت که متشکل از دو استناد مادی و روانی می‌باشد در جرائم علیه اشخاص در باب ضمان تسبیب وفق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ معیار برای ثبوت مسئولیت کیفری است و برای احراز مسئولیت کیفری هر یک از عوامل دخیل در نتیجه بعد از بیان استناد مادی و احراز استناد نتیجه به رفتار مؤثر گام بعدی که تکمیل کننده زنجیره رابطه سببیت است احراز استناد نتیجه مجرمانه که ناشی از رفتار مؤثر عامل می باشد به عمد یا تقصیر آن عامل است.

نتیجه گیری

جایگاه رابطه سببیت در احراز مسئولیت کیفری بر پایه مقررات ماهوی کیفری آنچنان رفیع و پر اهمیت است که فارغ از مباحث نظری و ایده پردازی‌های تئوری متعدد در حوزه آن، بایستی بدرستی تبیین گردیده و شاخصه‌های مهم آن در پرونده‌های کیفری مرتبط شناسایی و معرفی شود تا سر آخر برآیند دادرسی عادلانه به احراز صحیح عامل مسئول دخیل در جرم و جنایت ختم گردد. رویکرد مادی به ماهیت رابطه سببیت و قایل شدن نقش صرفاً مادی به این رابطه که اساس استدلال و نتیجه گیری‌ها در آن بر پایه نگاه مادی مجرد به اجزاء رابطه سببیت است و جایگاه این رابطه و شناسایی و احراز آن را در عنصر مادی جرائم قرار می‌دهد تقابل آشکار با اندیشه قانونگذار کیفری است چرا که در ارائه معیار برای شناسایی رابطه سببیت مسیری بر خلاف مقررات مصرح در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ طی می‌نماید. در این رویکرد برای پی بردن به مفهوم رابطه سببیت هر آن که بین رفتار عامل یا عواملی با نتیجه رفتار، ارتباط عرفی و عقلی ایجاد گردید لاجرم بین رفتار عامل و نتیجه رابطه سببیت برقرار خواهد شد. در این مفهوم احراز و اثبات رابطه سببیت به تنهایی نقشی در برقراری مسئولیت نداشته و برای اثبات مسئولیت عامل باید گام بعدی نیز که ورود در ذهن و اندیشه روانی مرتکب رفتار است صورت پذیرد.

با توجه به تعدد عوامل دخیل و مؤثر در نتیجه مجرمانه که شامل مباشر، سبب و شرط می‌گردند در این شیوه در کنار مباشر و سبب، شرط که هیچ گاه مسئولیت کیفری بر آن بار نمی‌گردد، احراز رابطه سببیت بین شرط و نتیجه نیز پذیرفتنی خواهد بود چرا که شأن رابطه سببیت تنها در بیان ارتباط مادی بین رفتار و نتیجه ختم شده است بدون اینکه احراز آن ملازمه‌ای با مسئولیت داشته باشد و چون شرط نیز مؤثر در نتیجه است لذا در این نگرش بحث

استناد نتیجه به رفتار شرط هم مطرح خواهد بود. این در حالی است که در هیچ یک از مباحث مطروحه در باب ضمان چه در فقه و چه در حقوق موضوعه اشاره به وجود رابطه سببیت بین شرط و نتیجه مجرمانه نشده است بلکه شرط تنها زمینه ساز حادثه و مؤثر در نتیجه معرفی شده است و ماهیت آن متفاوت از سبب است و به جهت فقدان عنصر تقصیر در آن نمی توان رابطه سببیت را در آن تصور نمود.

رویکردی که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در تبیین جایگاه رابطه سببیت اتخاذ کرده است نشان می دهد تحدید دامنه رابطه سببیت در رکن مادی جرم نفی شده است و علاوه بر جنبه مادی بعد روانی رفتار ارتكابی را هم در بر می گیرد. قانونگذار در باب ضمان تسبیب که محل اصلی بحث رابطه سببیت است از یک سو با پذیرش صحیح ضرورت احراز استناد مادی بین رفتار مرتکب با نتیجه به اهمیت استناد مادی به وصفی که در ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی آمده است پرداخته است و شرط لازم برای مسئول قلمداد نمودن مرتکب را به وجود استناد نتیجه به رفتار مرتکب منوط کرده است و در گام بعدی برای اعلام قطعی مسئولیت مرتکب توجه ویژه به احراز تقصیر مرتکب و به تعبیری اثبات استناد تقصیر به نتیجه حاصله از رفتار مرتکب به شرح ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی داشته است و بدین وصف ماهیت رابطه سببیت را ترکیبی از اجتماع دو استناد مادی و روانی قرار داده است؛ استناد مادی برای اثبات رکن مادی و استناد معنوی برای اثبات عنصر روانی. در این تعبیر تقصیر به عنوان یکی از عناصر رابطه سببیت در بطن این رابطه مستتر است و احراز آن منجر به احراز رابطه سببیت تام خواهد بود و نهایتاً دو استناد مذکور معیاری برای احراز رابطه سببیت و خود رابطه سببیت نیز معیاری برای احراز مسئولیت کیفری و امکان تحمیل مسئولیت مذکور برای مرتکب خواهد بود.

منابع

- آقایی جنت مکان، حسین، «حقوق کیفری عمومی»، انتشارات میزان، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۳
- آقایی نیا، حسین، «حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (جنایات)» جلد اول، انتشارات جنگل، چاپ چهارم، ۱۳۹۵
- اردبیلی، محمدعلی، «حقوق جزای عمومی»، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ چهل و دوم، ۱۳۹۴

- حسنی، نجیب، «رابطه سببیت در حقوق کیفری»، ترجمه: سید علی عباس نیای زارع، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول، ۱۳۸۵
- خسروی سلیم، محمد مهدی، «نقش رکن روانی در رابطه سببیت»، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۳
- غمامی، مجید، «قابلیت پیش بینی ضرر در مسئولیت مدنی»، انتشارات شرکت سهامی، چاپ اول، ۱۳۸۳
- طاهری نسب، سید یزدانه، «رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان»، انتشارات دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۹
- قیاسی، جلال الدین، «سببیت در قوانین کیفری»، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۴
- کاتوزیان، ناصر، «الزامهای خارج از قرارداد»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴
- گلدوزیان، ایرج، «بایسته‌های حقوق جزای عمومی»، انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۸
- لفو، وارین آر، «سببیت در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا»، ترجمه: حسین آقائی نیا، انتشارات میزان، ۱۳۸۳
- محمد خانی، عباس، «عنصر روانی جرم»، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۵
- مرادی، حسن، «حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (جنایات)»، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۹۶
- میر سعیدی، سید منصور، «مسئولیت کیفری»، جلد اول، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳